



انشطه‌رات و مطالبات از مجلات

سخنان حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
در چهاردهمین همایش سالانه دفتر



فاسله و بیواسطه، شنوای پیام الهی باشد. خداوند متعال، کلام خود را نازل کرد، از علم کلی خود، به آسمان هفتمن و از آن جا به قلب مبارک پیغمبر(ص) تا در افق فهم ما قرار گیرد.

یکی از معانی نزول قرآن این است که این کلام الهی در افق فهم بشری نزول کرد. یعنی اگر در همان حالت اولیه بود و در همان علم مطلق الهی میماند، کسی آن را دریافت نمیکرد و از انسانها هم خواسته شده، برای فهمیدن، دست به آسمان ببرند و یا دست در دست معلم قرار دهند تا آن معلم، آنها را به درک اسرار رهنمون سازد.

تزریق و توسعه روح وجود انسان

تزریق به معنای عمیق تر شدن فضایل و کاستن از ردایل است. معنای تزریق، پیراستن و آراستان است. شاخه‌های زائد درخت مورا که

خدای متعال را سپاس گزارم از این که توفيق مرحمت فرمود در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج ، آقا علی بن موسى الرضا(ع) و در جمع شما باشم. در آغاز کلام از کنار این مزار نورانی بهترین سلامها و درودهای خودمان را به روح بلند و ملکوتی امام راحل (رضوان الله تعالى عليه) تقدیم میکنیم که به حق در دوره معاصر مجده اسلام بودند. از سوی دیگر، برای مقام معظم رهبری نیز آرزوی طول عمر با عزت و صحت داریم؛ همان که امروز میراثدار شهیدان و تداوم بخش راه امام راحل و ارزش‌ها، اندیشه‌ها و باورهای اسلامی است.

عرايضم را در اين جمع به دو قسمت تقسيم میکنم، اولاً چون در ایام شهادت صديقه کبری فاطمه زهراء(س) هستیم، بهتر است اشاره‌ای به آن وجود مبارک داشته باشیم. از نام مبارک آن بانوی بزرگوار تیمم و تبریک بجوییم همراه با تسلیت به ساحت مقدس حضرت حجت ارواحناfad. حضرت زهراء(س) عالم اسرار است. یعنی تمام هستی، که درون خود برهان تودرتیی دارند. برخی از اسرار را با توجهات کوتاه میتوان رازگشایی کرد و برخی از اسرار نیز باید مورد تعمق زیادی قرار گیرند. گاهی اوقات هم اگر رمزگشایی در کار ما نباشد، به اسرار پی نمیبریم، و اما یکی از اسرار بزرگ آفرینش، وجود صدیقه زهراء(س) است. نه تنها زهرای مرضیه(س)، یک سر بزرگ الهی محسوب میشود که وجودش نیز محل و دیعه گذاشتن اسرار بزرگی است. در روایتی داریم که فرمود: «هر کس بخواهد لیله‌القدر را بشناسد و راز آن را بداند، باید از راز وجود زهرای مرضیه(س) آگاه باشد.» معلوم میشود که این موضوع خیلی اهمیت دارد. قرآن کریم یکی از اسرار است. میخواهیم از این جانبه به این معنا بزنم که گفته‌اند راز قرآن و بطن آن را بشکافید تا دریابیی. گفتنند کسانی میتوانند به این راز پی ببرند که جزو راسخان علم باشند. کسی میتواند رازگشایی کرده و آن مفاهیم بلند را برای ما تبیین کند که گوش‌جان خود او نیز بدون

می‌دهد: «انا اعطيك الكوثر» ابتر کسی است که بدخواه تو باشد و

دین تو باز هرا می‌ماند.

حضرت حجت(عج) می‌فرماید: «ما بر مردم حجج الهی هستیم، یعنی حجت‌های خداییم، یعنی رفتار همه عالم باید مستند به ما باشد. حجت موجه ما هستیم.» حضرت رضا(ع) فرمود: «هرچه از ما گرفتید، موجه است. حق آن است که از ما می‌گیرید.» یعنی تمام حق نزد ماست و در جای دیگر خبری نیست و سپس حضرت حجت(عج) می‌فرماید: «ما که حجج الهی هستیم، مادرمان زهرا(س) حجت خدا بر ماست. یعنی عمل و گفته ما و هم‌چنین علم ما همه مستند است به حضرت زهرا(س)». و اما اکنون که در جوار ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی‌الرضا(ع) هستیم و در چنین ایامی هم قرار داریم و سفره فاطمیه نیز برای ما گسترده است، شایسته است بتوانیم زاد و توشیه‌ای از این معارف بگیریم و هم آن‌چه از آن بزرگان آموخته‌ایم به اندازه وسعمان و نیاز و دریافت مخاطبمان به آن‌ها منتقل کنیم.

استمرار فعالیت‌ها

ثانیاً می‌خواهم ابراز تشکر کنم از همه دوستان و همکاران. سال گذشته مطالبی را خدمت شما عرض کردم که مأذوذ از سخنانی خود شما در مازندران فهرست کرده بودید. من ضمن تأیید و تأکید بر آن چند جمله هم بدان افرودم. سال‌نامه رشد را که ورق می‌زدم، دیدم همان حرف‌هast و اتفاقاً باید به آن موضوعات تأکید بورزیم؛ به این معنا که بخشی از آن‌ها اتفاق افتاده است، اما بخشی دیگر هم باید استمرار داشته باشد.

در سال گذشته دو نکته را از شما درخواست کردم؛ یکی پرداختن به موضوع تحول در آموزش و پرورش که امروز هم در گزارش‌ها شنیدم و متوجه شدم که این موضوع، یک کلید واژه مشترک بین همکاران بوده و به عنوان یک مطالبه، دوستان آن را تعقیب می‌کنند. از این

می‌زنند یا درختان را هرس می‌کنند نیز نوعی ترکیه است. در ظاهر کم کردن ولی در باطن، ریشه‌ها را تقویت کردن است. زکات مال هم از همان جاست. برای این که مال انسان برکت پیدا کند، انبیا آمدند و تلاوت آیه کردند. یکی از آیات هم خود انسان بود که انسان ترکیه پیدا کند. با ترکیه، روح وجود انسان توسعه پیدا می‌کند که بعد از آن بتواند کتاب را دریافت کند؛ بایستگی و شایستگی‌های زندگی را بیاموزد. وجود نامستعد نمی‌تواند به بایستگی‌ها و شایستگی‌های حیات دست پیدا کند و نمی‌تواند آن آیات را در وجود خودش مستقر سازد.

سّر وجود حضرات معصومین هم همین گونه است. بدون آن واسطه‌ها و راهنمایها انسان نمی‌تواند زهرا مرضیه(س) را بشناسد. یعنی اگر وجود پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) نبود، زهرا مرضیه(س) و یا حضرات معصومین(ع)، قابل شناخته شدن نبودند و اگر معرفی خدا از پیامبر نبود، ما پیامبر را هم نمی‌شناخیم.

مثالاً شنیده‌ایم که حضرت می‌فرمود: «فاطمه ام ایهها؛ فاطمه مادر من بود.» عقول متوسط، از این سخن چه می‌فهمند، در کشان این است که پیغمبر(ص)، فاطمه زهرا(س) را خیلی دوست می‌داشت. بار عاطفی این سخن پیامبر در وجود حضرت زهرا(س) تجلی می‌یافتد. پیغمبر(ص) اگر می‌خواست به کسی ابراز محبت و علاقه کند، می‌گفت که زهرا(س) مادر من است. مانند ما که به فرزندانمان می‌گوییم مادر یا پدر ما هستید. پیغمبر هم همین گونه بود. این کم چیزی نیست. بالاخره پیغمبر اسلام(ص) فرزندان دیگری هم داشت. اما تجلی این عواطف را در وجود زهرا(س) می‌دید. این افکار برای عقول متوسط است. باید کمی بیشتر تفکر کنیم، «فاطمه ام ایهها» به معنای این است که ریشه پیامبر، بودن و ماندن پیغمبر، دوام او و هرچه که دارد از زهرا(س) است. «ام» به معنای ریشه و اساس است. آن جایی که یک مشرک به پیغمبر اسلام(ص) طمعه می‌زد و پشت سر ایشان می‌گفت که پیغمبر ابتر و مقطوع‌النسل است و دین او با رفتنش تمام می‌شود، خدا به او بشارت



اساساً بدنۀ آموزش و پرورش،
باید تحول را به عنوان یک گفتمان
غالب بپذیرد و آن را به عنوان یک مطالبه
جدی از مسئولانش بخواهد. هر کس که
در مسیر تحول ایجاد سستی و رکود گند،
او را با این مطالبه و درخواست، وادار
به حرکت و تلاش می‌کند

می‌کنم. سال قبل در بسیاری از مجلات، از مجله علوم اجتماعی تا مجله معلم و برخی دیگر از نشریات، موضوع برنامه درسی ملی و بحث تحول در آموزش و پرورش مطرح بود. اما در ادامه کار، به اعتقاد من باید نوآندیشی کنیم و نوآوری داشته باشیم. امسال هم همین معنا را تکرار می‌کنم و می‌گوییم به آن چه انجام داده‌ایم بسندۀ نکنیم. نگوییم آن چه انجام داده‌ایم مورد رضایتمن است. وقتی کسی برای کارهایی که انجام داده احساس رضایت می‌کند، یعنی توقف خودش را امضا کرده است. به قول حافظ «مجویم که آسودگی ما عدم ماست». هر کس آرامش و سکون را قبول کرد، یعنی حذف شدن در مسابقه زندگی را بر خود حکم کرده است. باید در همه زمینه‌ها طرحی نو دراندازیم. سخنی را از امام رضا(ع) به عاریت می‌گیریم. آن گاه که حضرت فرمودند: «خداؤند رحمت کند شخصی را که امر ما را احیا کند.» کسی که در آن جا حاضر بود از امام رضا(ع) سؤال کرد: احیای امر شما به چه چیز است؟ حضرت فرمود: «زیبایی‌های کلام مارا به مردم بنمایاند و زیبایی‌های اندیشه‌مارا برای مردم تبیین کند.» و نیز فرمود: «به خدا قسم اگر مردم پی به زیبایی کلام ما ببرند، از ما تبعیت می‌کنند.»

اگر می‌بینید کسی بیراهه می‌رود مبلغان، گویندگان، مروجان، تبیین‌کنندگان و اندیشمندان آن حوزه، وظیفه خودشان را تجامن نداده‌اند. امام می‌فرماید: اگر به زیبایی کلام ما پی ببرند، از ما تبعیت می‌کنند. کلام، کلام معصوم است. اگر من و شما تلاش و اهتمام‌مان این باشد که زیبایی کلام معصوم را به زیبایی برای مردم بیان کنیم، یقیناً مردم از این کلام استفاده می‌کنند. در حوزه تعلیم و تربیت، وقتی خودمان را متعهد کردیم به این که اندیشه‌اسلامی تعلیم و تربیت را بگوییم، باید به خوبی آن را تبیین کنیم. رفع تکلیف نکنیم. باید جذابیت کار حرفه‌ای را در آن لحاظ کنیم. کار باید کار فاخر، جذاب و زیبایی باشد. امسال علیرغم این که مشکل کاغذ داشتیم اما آن را حل کردیم؛ چرا که این کتابی را که می‌خواهیم به بچه‌های عزیزمان بدهیم، باید بهترین

بابت تشکر می‌کنم. وقتی موضوع تحول، به یک گفتمان غالب در بدنۀ کارشناسی آموزش و پرورش تبدیل شود، مخصوصاً دوستان عزیز و ارجمندی که اهل فرهنگ و اندیشیدن و همچنین نوشتۀ هستند، جای خوشبختی خواهد بود. اساساً بدنۀ آموزش و پرورش، باید تحول را به عنوان یک گفتمان غالب بپذیرد و آن را به عنوان یک مطالبه جدی از مسئولانش بخواهد. هر کس که در مسیر تحول ایجاد سستی و رکود گند، او را با این مطالبه و درخواست، وادار به حرکت و تلاش می‌کند.

اگر بتوانیم این موضوع را برای خودمان تبیین و در مجلات نیز برای مخاطبان به تبیین آن اقدام کنیم که بعد تحول چیست، مفاهیم بنیادین تحول کدام است و اساساً مصادیقی از این مفهوم‌های کلی در تحول، مبتنی بر اندیشه اسلامی و نظریۀ اسلامی تعلیم و تربیت چه می‌تواند باشد، یقیناً یکی از اقدامات خوب ما خواهد بود که در مسیر فرایند تحقق تحول، از هر نوع انحراف یا کم گذاشتن یا فروکاستن از ضرورت‌ها جلوگیری خواهیم کرد. لذا من از این تلاش‌ها تشکر



بزند. حرفی را در حاشیه علوم بگوید که حرف جدیدی باشد. یک واژه را تبارشناسی کرده بودند که در یک مجله پارسی آمده بود. هرچه گشتم که این واژه را از کجا آورده‌اند، چیزی نیافتدم؛ حتی خودم هم تردید کردم و لغتنامه دهخدا و سپس دیگر فرهنگ‌ها را گشتم. اما این واژه در آن‌ها هم نبود. گفتم شاید ادبیات عامیانه شاملو باشد! در آن‌جا هم نبود و متوجه شدم یک چیز من درآورده است. در پی نویسنده آن بودم که بگویم این واژه‌ای را که این‌گونه ترجمه کرداید و برای آن ریشه‌یابی نموده‌اید، از کجا نقل کرداید؟ علاقهٔ شخصی من هم که ادبیات خوانده‌ام همین است و گفتمن واژه مذکور را پیدا کنم، ولی هرچه گشتم نبود. بعضی وقت‌ها یک ادعاهای واهمی می‌کنند که مثلًاً فلان بزرگی گفته است. رفیقی داشتیم که می‌گفت سر کلاس بعضی وقت‌ها حرفی می‌زدم که اگر می‌گفتم از خودم است، شاگردان نمی‌پذیرفتند. برای همین می‌گفتم یکی از دانشمندان معاصر می‌گوید. در مجله گاهی اوقات این‌گونه مسائل دیده می‌شود. بالاخره هر چیز مرجعی دارد که در پاورقی باید آن‌ها را مشخص کرد. اگر برای خودتان است، این را بگویید. البته مجله آقای کرام‌الدینی را می‌خوانم هر چند متخصص زیست‌شناسی نیستم. من مجلات زیست‌شناسی، و فیزیک رامی خوانم، به دلیل این که بینم سال قبل که قرار گذاشتیم سعی کنیم در علوم پایه، آن‌چه مطرح می‌کنیم مقوم توحید باشد، آیا این رویکرد تقویت شده است یا نه؟ الان هم تأکیدم بر همین است. در حوزه علوم پایه، حرف ما این است که کشف‌های یک عالم باید ما را یک گام به توحید نزدیک کند. گاهی اوقات من مثال‌های دم‌دستی هم می‌زنم که برای تقریب ذهن است. گفته‌ام که معلم، مؤلف و برنامه‌ریز و دیگران، همه مسلمان و متدين هستند اما روش آموزش ما، چون عاریتی از جای دیگر و یا ترجمه است، با روش قرآن سازگار نیست. مثلًاً من یک بار گفتم که در کتاب‌های درسی و متون آموزشی ما، علت فاعلی غایب است، فاعل غایب است. عرض می‌کنم که علت نهایی غایب است و

باشد. حالا در نوشتن هم باید بهترین مطالب را ارائه دهیم، اساساً باید بهترین‌ها را برای بچه‌ها نوشت و بهترین نویسنده‌گان، تصویرگران و عکاسان برای بچه‌ها کار کنند. شکل و محتوا هر دو باید بهترین باشد؛ یعنی درجهٔ یک‌ها باید جمع شوند تا بهترین محصول تولید شوند. پس عنایت داشته باشیم که باید طرحی نو در اندازیم. باید زیبایی‌های این اندیشه را بشناسیم و بازشناسی کرده و بشناسیم، آن هم در قالب جذابیت‌های حرفه‌ای. در مجلات رشد انصافاً کارهای خوبی انجام شده است. من هم مشتری مجلات شده و در خیلی موقع مدافعان مجلات رشد می‌شوم. دو روز گذشته هم در محلی گفتیم که مجلات رشد ۳۶ میلیون نسخه تیزراژ و دارای ۳۱ عنوان است. در کشورهای منطقه هم رتبهٔ ما اول است. این‌ها را گفتیم و مدافعان بیرونی ما از این که جنس خودمان را تعریف می‌کنیم، است. اما در دون خودمان گاهی اوقات باید نقد یکدیگر را داشته باشیم. یکی از نقدهای من این است که گاهی اوقات، در انتخاب مطالب دقت نمی‌شود.

گاهی اوقات احساس می‌کنیم که بعضی از این مطالب با مجله نمی‌خواند. مثل این که مطلب کم اورده و کنار آن این مطلب را چسبانده‌ایم. یا گاهی اوقات احساس می‌شود که مجله نسبت به آن سیاست ترسیمی در یک بخش خیلی وفادار نبوده است؛ برای این که بحث خیلی جذاب نبوده و عبارت آن مناسب نیست؛ اما برای این که بگویید یک علاقهٔ شخصی به چیزی دارد، آن را به نوعی در همین جا قرار داده است.

مجلات تخصصی رشد

اجازه دهید که مجله آموزشی تخصصی شما، مجله آموزشی تخصصی بماند نه این که آن چنان زیاده‌روی کنید که بگویید این نشریه باید حتماً نشریه علمی و پژوهشی دارای مجوز از وزارت علوم باشد. نه، این به درد معلم هم نمی‌خورد، اما حرف پخته و سفته‌ای



این عالم صاحبی دارد
به نام خدا. و این عالم را
غایتی و سرانجامی است. این
را باید در مجلات و کتاب‌های
درسی داشته باشیم

تاریخ چه دلیلی دارد که همان‌طور به تعریف آن پیردازیم که دیگران آن را تعریف کرده‌اند.

شهید استاد مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» درباره تاریخ گفته است. دیگری هم تاریخ را از دیدگاه قرآن گفته است. بالاخره ما گاهی اوقات باید در سخنان دیگران تأمل کنیم. هرچه از کسی نقل می‌شود بعضی از دوستان صدرصد به نقل آن می‌پردازند و فکر می‌کنند که درست‌ترین حرف است. این جمله هم بین پرانتز، دو یا سه ماه قبل بود که دو نفر معلم آمدند و گفتند، می‌خواهند مطالعه‌ای انجام دهند ولی پول ندارند؛ گفتند علاقه‌مندیم که این مطالعه را انجام دهیم و تعدادی از کارهایی را که انجام داده بودند، ارائه کردن و کمک خواستند. گفتم که از منابع دولتی نمی‌توانم کمک بگیرم ولی چون عاشق انجام کار مطالعاتی هستید، مبلغی برای شما فراهم می‌کنم. دکتر سرکار آرانی در ژاپن بودند. گفتم آقای دکتر، دو نفر می‌همان می‌فرستیم که به همراه یک نفر از تهران می‌آیند تا شما به آن‌ها کمک کنید. ایشان هم بذل محبت کردند. پریروز که به اردبیل رفته بودم، این دو نفر به همراه همکاری که از تهران رفته بودند، آمدند و یک فیلم نیمساعتی را نشان دادند: «بازگشت ژاپنی‌ها به تخته سیاه و گچ». یعنی کلاس‌ها را به تصویر کشیده بودند و مسائل کمک‌آموزشی خیلی ساده را مطرح می‌کردند. همچنین «مدرسه هوشمند» را مطرح می‌کردند، گفتم این تصاویر را به مقاله تبدیل کنید تا بیننم چه اتفاقی افتاده که این‌ها چنین

آن را تصحیح می‌کنم. مثلاً در کتاب‌ها خوانده‌ایم باران بارید، باد وزید، گیاه رویید، بشر هم متولد شد. در حالی که همه مسلمان هستیم، به قرآن که مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم قرآن این چنین نمی‌گوید؛ بلکه باد را «ارسل الرباح»، باران را «أنزل من السماء ماء»، «أنزلنا من المرسالات ماء»، بشر را «خلقنا الإنسان» و گیاه را «أنبتنا» می‌گوید، بعد هم می‌آید و بر سر همان موضوع ماده تحدى می‌کند. می‌گوید بین اگر بگویی آب را باراندم، تلخش می‌کنم. گیاه را شما رویاندید یا م؟ اگر بگویی من بشر یا کشاورز کاشتیم و رویاندیم، «وجعلنا حطاما»، هیزمش می‌کنیم و آن را می‌سوزانیم. چه کار می‌خواهی انجام دهی؟ ما اساساً به این معنا در علوم طبیعی خودمان توجه نداریم. یعنی رهنمون نمی‌شویم که این عالم صاحبی دارد به نام خدا. و این عالم را غایتی و سرانجامی است. این را باید در مجلات و کتاب‌های درسی داشته باشیم. در کتاب‌های درسی این مطالب را داریم؛ در مجلات هم اهل قلم را توجه دهیم به این که نسبت به این موضوع توجه داشته باشند.

در حوزه علوم انسانی هم این گونه است. وقتی من به جامعه‌شناسی دقت می‌کنم، به مجله‌ای دیگر دقت می‌کنم. از این نظر که در مجلات چقدر وفا داریم، به این که مباحث طرح شده منافات با آموزه‌های وحیانی نداشته باشد. من قبلاً هم گفته‌ام. حوزه و دانشگاه تبلیغ هستند و تولید علم نمی‌کنند. تولید علم به آموزش و پرورش ربطی ندارد. آموزش و پرورش که مولد علم نیست. بلکه موزع علم است و آموزش و علم می‌دهد. تولید علم را باید دانشگاه و حوزه علمیه انجام دهد. آن‌ها باید حرف جدید در حوزه علوم انسانی تولید کرده و به ما بدهند. ما هم آن را پس از برنامه‌ریزی، به زبان آموزش ترجمه کرده و ارائه می‌دهیم. اما در عین حال درون خودم می‌گوییم که خود ما هم به طور مثال در تاریخ یا چنگیا یا سایر حوزه‌ها باید کارهایی را انجام دهیم. در عین حال هم باید مواظب بود که آن چه وحی گفته است، مدنظر ما باشد. چیزی ارائه ندهیم که صدرصد با وحی مخالفت داشته باشد. در بحث



این آموزش ادبیات و هنر
باید به نوعی، هویت اسلامی،
ایرانی و انقلابی و همچنین
ارزش‌ها و شعائر اخلاقی
ما را تقویت کند

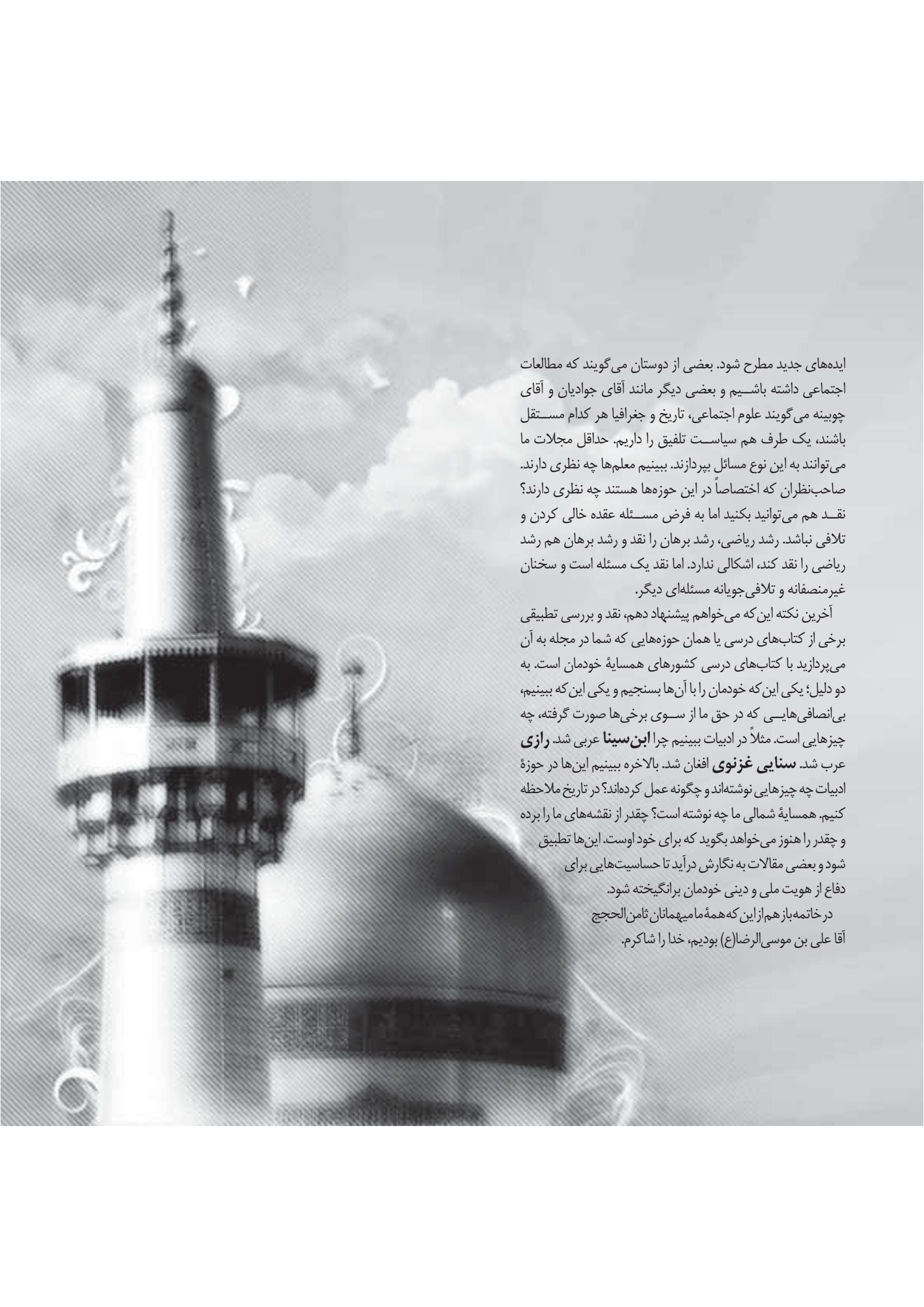
بلندمدت داریم که باید در مجلات رشد به آن‌ها پردازیم، پشتیبانی معلمان هم از موضوعاتی است که درباره آن‌ها صحبت خواهیم کرد. الان توافق‌نامه‌ای امضاء شده است که مجلات به صورت آموزش ضمن خدمت یا مرجعی برای آموزش ضمن خدمت مطرح شوند. در ارتباط با بحث حوزه‌های یادگیری، الان یازده حوزه یادگیری را در برنامه درسی طراحی و پیش‌بینی کرده‌ایم. این یازده حوزه یادگیری به اعتقاد من قابل تأمل است، مثلاً حکمت و تفکر. برخی از دوستان فرمودند که باید بچه‌ها را متغیر و خلاق بار بیاوریم. این نکته الان یکی از حوزه‌های یادگیری است که باید به آن توجه کنیم. درباره آموزش فلسفه به کودکان، کتابی موجود است با عنوان «ذینای سوفی» که وقتی آن را می‌خواندم، با خودم فکر می‌کردم که چگونه می‌توان این کتاب را در برنامه کتاب‌های درسی گنجاند. بد نیست فایلی را برای آموزش فلسفه به زبان ساده باز کنیم که در مجله رشد نوجوان و جوان کار شود. یا برای معلم‌ها کارهایی انجام شود، مثلاً «موفق‌ها و ناموفق‌ها». الان یکی از حوزه‌های یادگیری ما «آداب و مهارت‌های زندگی» است. برای این موضوع، مجلات ما چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟ یکی از حوزه‌های یادگیری ما «زبان و ادبیات فارسی» است. یعنی ما زبان و ادبیات فارسی را به عنوان یک حوزه مستقل در نظر گرفته‌ایم، یا در زبان انگلیسی که واقعاً توقع دارم و گروه زبان باید به نوعی کمک کنند، ما در برنامه‌ریزی درسی زبان انگلیسی ضعیف عمل کرده‌ایم. در این ۲۰ سال اخیر، خود من از آموزش زبان و کتاب‌های زبان راضی نیستم. گاهی اوقات تلاش‌هایی هم کرده‌ایم که هنوز نتیجه‌های نداده است. باید در این مورد هم به طرحی نوین داشیم. برای آموزش زبان انگلیسی مقاطع راهنمایی و دبیرستان، راهنمای ما مصوبه‌های آموزش و پرورش است. چه روش‌هایی را می‌توانیم اجرا کنیم؟ همان چیزی که سی سال قبل بود، هنوز هم وجود دارد. یکی از بحث‌های ما «حوزه‌های یادگیری جدید» است. در اینجا، باید

رجوعی داشته‌اند. می‌خواهم این جمله را بگوییم که در بعضی از موارد لازم است که تردید کنیم. در حوزه ادبیات و هنر هم همین معنا حاکم است. خدمت آقای دکتر سنگری - سردبیر مجله رشد زبان و ادب فارسی - عرض کردم که نگاه ما اکنون این است که در حوزه ادبیات و هنر، ضمن این که آموزش‌های فنی و علمی را باید مدنظر قرار داده و داشته باشیم، دستور زبان و انواع گونه‌های شعری را نیز یاد دهیم. اما این آموزش ادبیات و هنر باید به نوعی، هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی و همچنین ارزش‌ها و شعائر اخلاقی ما را تقویت کند. امسال سال جهاد اقتصادی است. یک زمان در کتاب‌های درسی می‌خواندیم: «برو کار می‌کن مگو چیست کار/ که سرمایه جاودانی است کار» یا «تابرده رنج گنج میسر نمی‌شود/ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.» خوب در فارسی این گونه است، حالا می‌گویید شعر سعدی کهنه شده است، خوب شعر جدید بگذارید. درباره وجه انقلابی هم، یک زمان برای تقویت هویت ایرانی خودمان و سلحشوری و مرزبانی، آرش کمانگیر و سیاوش کسرائی را گذاشتید؛ حالا زمان گذشته و آن را نمی‌پسندید، خوب شخص دیگری را بگذارید؛ اما باید همان روحیه را تقویت کند. ما نیازمند این هستیم که هویت ملی ما تقویت شود. در مجلات ادبیات و هنر باید به این مسائل توجه کنیم.

توقعت‌کوتاه و بلندمدت

اما نکته دیگر این است که ما یک توقعت کوتاه‌مدت و یک انتظارات





ایده‌های جدید مطرح شود. بعضی از دوستان می‌گویند که مطالعات اجتماعی داشته باشیم و بعضی دیگر مانند آقای جوادیان و آقای چوبینه می‌گویند علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا هر کدام مستقل باشند، یک طرف هم سیاست تلفیق را داریم. حداقل مجلات ما می‌توانند به این نوع مسائل پردازنند. بینیم معلم‌ها چه نظری دارند. صاحب‌نظران که اختصاصاً در این حوزه‌ها هستند چه نظری دارند؟ نقد هم می‌توانید بکنید اما به فرض مسئله عقده خالی کردن و تلافی نباشد. رشد ریاضی، رشد برهان را نقد و رشد برهان هم رشد ریاضی را نقد کند، اشکالی ندارد. اما نقد یک مسئله است و سخنان غیرمنصفانه و تلافی‌جویانه مسئله‌ای دیگر.

آخرین نکته این که می‌خواهم پیشنهاد دهم، نقد و بررسی تطبیقی برخی از کتاب‌های درسی یا همان حوزه‌هایی که شما در مجله به آن می‌پردازید با کتاب‌های درسی کشورهای همسایه خودمان است. به دو دلیل؛ یکی این که خودمان را با آن‌ها بسنجیم و یکی این که بینیم، بی‌انصافی‌هایی که در حق ما از سوی برخی‌ها صورت گرفته، چه چیزهایی است. مثلاً در ادبیات بینیم چرا ابن سینا عربی شد. رازی عرب شد. **سنایی غزنوی** افغان شد. بالاخره بینیم این‌ها در حوزه ادبیات چه چزهایی نوشته‌اند و چگونه عمل کرده‌اند؟ در تاریخ ملاحظه کنیم. همسایه شمالی ما چه نوشته است؟ چقدر از نقشه‌های ما را برد و چقدر را هنوز می‌خواهد بگوید که برای خود اوست. این‌ها تطبیق شود و بعضی مقالات به نگارش درآید تا حساسیت‌هایی برای دفاع از هویت ملی و دینی خودمان برانگیخته شود.

در خاتمه باز هم از این که همه‌مایمیه‌مانان ثامن الحجج آقا علی بن موسی الرضا(ع) بودیم، خدا را شاکرم.